

کودکان بی هویت و بی شناسنامه! چه باید کرد!؟

سیامک بهاری

siabahari@yahoo.com

"دهها هزار کودک ایرانی- افغانی همچنان بدون شناسنامه سرگردانند" این تیتر مطلبی در سایتهای خبری است! از قول رسانه های بسیار خودی جمهوری اسلامی نوشته شده است. در باره آن صاحب منصبان حکومت اسلامی اظهار نظر کرده اند، کسی هم خم به ابرویش نیاورده است، خبری است که در لابلای رسانه های مجاز حکومتی درج شده، سنگینی خبر و ابعاد فاجعه از سر و روی همین تیتر سرازیر است. به این خبر نیم میلیون کودکی را که به جرم "افغانی" بودن از مجموع پنج میلیون کودکی " ایرانی" که بجرم "کودک" بودن از تحصیل بازنگهداشته شده اند را اضافه کنید تا حقیقت تلخ زندگی کودکان در ایران بیشتر نمایان شود. این اما ابتدای فاجعه است، هنوز اینها سر تیتر خبرند!

"استانداری تهران، مدتی پیش تعداد «کودکان بی هویت» را ۳۲ هزار نفر ذکر کرد و افزود که ۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه که حاصل ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه است در وضعیت نامعلومی بسر می‌برند این، کودکان حتی اگر در ایران متولد شده باشند از سوی ایران تنها بعنوان شهروند افغانی شناخته می‌شوند مگر اینکه تا سن ۱۸ سالگی در ایران زندگی کنند و تابعیت افغانی خود را رد کنند. . . ."

کودکان بی هویت عبارت تازه ای است که جمهوری اسلامی برای تضمین کودک آزاری سیستماتیکش اختراع کرده است! حاکمیت اسلامی این کودکان را بی هویت میکند تا مانند همیشه شانه از زیر بار مسئولیت خود در قبال کودکان خالی کند!

جمهوری اسلامی بدنبال کدام هویت بریا کودکان است؟ مگر برگه شناسنامه، محل تولد پدر و یا مادر کودک معادل با حق و حقوق کودک است؟ مگر مسئولیت در قبال کودک و سرنوشتش و تامین رفاه و سعادتش از برگه شناسنامه ای که برایش صادر شده است، بیرون می آید؟ اگر چنین است این حکومت در قبال چند میلیون کودکی که آواره بازار بی رحم کار شده اند و تردیدی در اصل بودن برگه های "هویتی" شان نیست و آبا و اجدادشان هم در دل همین مرزهای "پرگهر" زیسته اند، چه تعهدی نسبت به رفاه و سعادت و خوشبختی آنان داشته است!؟

بیگانه نامیدن مردمانی که سه دهه جنگ و جنون احزاب جهادی و طالبانی و کرزایی آنان را آواره و بی خانمان کرده است و از بد حادثه ناچارا به ایران اسلامی پناهنده شده اند تا با کار سخت و طاقت فرسا، با دستمزدهای فوق ارزان و گاه فقط در برابر سرپناهی و لقمه نانی بزرگترین ثروتها را بیافرینند و خود اینچنین درد آور قربانی آن شوند! جز از یک حکومت ضد بشری ساخته نیست! بی هویت کردن کودکان به جرم " بیگانه بودن" سازمان دادن خشونت قانونی علیه آنان است و فقط از حکومتهایی از جنس جمهوری اسلامی ساخته است!

حقیقت این است که بیش از صد هزار کودک بجرم "افغانی" بودن در ایران اسلامی فاقد هرگونه برگه شناسایی معتبرند و لاجرم این کودکان برای قصابی شدن در بازار کار بیرحم سرمایه، اولین و بی درد سرتترین قربانیان اند! بی حقوق ترین کارگران خردسالی که درسکوتی باورنکردنی قربانی کودک آزاری سیستماتیک حکومت اسلامی اند!

ندادن برگه هویتی و عدم صدور شناسنامه برای این کودکان، بهترین مستمسک برای بی حقوق کردن قانونی صدها هزار کودکی است که بدون آینده ای روشن به حال خود رها شده اند تا گرگهای سرمایه بی دردمس آنها بدرند! جمهوری اسلامی و همه دم و دستگاه حکومتی اش این خدمات "هویتی" را برای تامین سود سرمایه میسر و ممکن میکنند.

این کودک آزاری و قربانی گرفتن مجدد از خانواده هایی است که خود در بدترین شرایط ممکن، از دست هیولای جنگ و کشتار و بی خانمانی جان سالم بدر برده اند تا زیر خط فقر اهدایی جمهوری اسلامی چرخ زیرین آسیاب تامین سود سرمایه و بازار بی رحم و مروت آن باشند!

عبارت نفرت انگیز زیر را بخوانید:

«ابراهیم اسماعیلی هریسی، از پژوهشگران حقوق و وکیل دعاوی در ایران، مردادماه امسال در مصاحبه‌ای با «خبر آنلاین»، آمار تخمینی و غیررسمی ازدواج‌های ثبت نشده زنان ایرانی با «مردهای بیگانه» را ۲۰۰ هزار مورد ذکر کرد و با «مهمان ناخوانده» خواندن اهالی افغانستان در ایران افزود که بنابر آمارهای رسمی‌تر، افغانها «با نزدیک به ۳۰ هزار زن ایرانی ازدواج کرده‌اند.»

این عبارات مضمّن کننده بخشی از فرهنگ روزانه تبلیغاتی رسانه‌های جمهوری اسلامی است که مانند بمب بر سر خانواده‌های بی پناه افغانی در ایران اسلامی فرو میریزد! عبارات "بیگانه" و "میهمانان ناخوانده" برگه مجاز هر نوع حمله و سازمان دادن هر نوع خشونت نژادی، مذهبی است! این را یک این سموم نفرت قومی را یک پژوهشگر از نوع اسلامیش دارد به جامعه تزریق میکند! و تازه این از نوع بهترینش است! صدها هزار کودک آواره ای که بجرم ازدواج مادر یا پدرشان با یک "تبعه بیگانه" از هر حقوق اجتماعی محروم میشوند، قربانیان فوری این خشونت ملی - مذهبی سازمان یافته دولتی اند!

چه باید کرد!؟

این بدیهی ترین و صحیح ترین سوالی است که به ذهن هر انسان شرافتمندی خطور میکند!

در اولین قدم نباید این صورت مسله ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی را پذیرفت! کودکان متعلق به هیچ جغرافیایی نیستند! هیچ ملیت و نژاد و مبدایی حقوق آنها تعیین نمی کند! ما کودک افغانی و ایرانی، کودک مهاجر و پناهنده نداریم! حقوق کودکان جهانشمول است! کودکان فقط کودکانند، همین و بس! بنابراین اصل بدیهی است که جامعه متمدن، متعهد به تامین امکانات رفاهی و سعادت و خوشبختی کودکان میشود!

اگر کسی خود را شهروند درجه دوم، مهاجر، مهمان ناخوانده و تبعه بیگانه نخواند مانند یک شهروند عادی برای کسب حقوقش دست به مبارزه میزند!

باید اعتراض کرد، تجمع کرد و جنگید! با هزاران همسرنوشت دیگر همراه شد! صدها هزار خانواده ای که کودکانشان بدلیل عدم بضاعت مالی و تامین مایحتاج اولیه از تحصیل بازمانده اند، در عمل تفاوتی با " میهمانان ناخوانده" ندارند! با برگه هویت و بی برگه هویت! از حقوق اجتماعی محروم شده اند!

باید سازمان و تشکل داشت! هیچ حقی ولو جزئی و پیش پا افتاده بدون مبارزه بدست نیامده است و هیچ اعتراض و جنگی بدون سازمان و تشکیلات امکان موفقیت ندارد! امکان پذیرترین شکل تجمع و تشکل در محلات است! هر کجا هستید برای تامین خواسته هایتان جمع های اعتراضی را سازمان دهید! نباید منتظر کسی شد! هیچ ناجی و نجات دهنده ای از آسمان نازل نخواهد شد!

کودکان باید فوراً مشمول همه امکانات رفاهی و آموزشی و درمانی و بهداشتی و غیره گردند! این را باید پرچم اقدام فوری خود کرد و درمقابل هر اداره دولتی که مسئول مستقیم تامین این خواسته هاست، دست به تجمعات اعتراضی زد! جامعه را خبر کرد و پشتیبانی وسیع ایجاد کرد!

مبارزه را باید وسیع و سراسری کرد! از هر طریق ممکن مبارزات و تجربیات را باید سریعاً و در سطحی وسیع منعکس کرد تا همگان از مبارزات و تجربیات هم با خبر شوند و بتوانند همراه شوند! این کار به سادگی ممکن است، با تماس با کانال جدید و نهاد کودکان مقدمند، می تواند مبارزات را سراسری کرد و بهم پیوند داد.